

مشروطه

دولتی مستعجل بود

• پرویز بابایی

در ۱۴ مرداد ماه ۱۲۸۵ یعنی ۹۶ سال پیش، پس از چند ماه کشاکش میان آزادی و استبداد، مظفرالدین شاه قاجار به صدور فرمان مشروطیت گردن نهاد. با تشکیل مجلس شورای ملی نخستین گام پیروزمندانه‌ی نخستین انقلاب ایران برداشته شد. از آن پس کشور وارد یک دوران طولانی مبارزه میان انقلاب و ضدانقلاب شد که سرشار از تجربه‌های تلخ و شیرین سیاسی بود.

انقلاب مشروطه مانند هر انقلاب دیگری در بستریزمینه‌های اقتصادی - اجتماعی جریان یافت: تضاد جامعه‌ی سنتی و مناسبات نوین در حال رشد، تشدید زورگویی ملاکان و ایل‌خانات برای وصول بهره‌ی مالکانه و به اصطلاح مالیات، خانه خرابی دهقانان و سایر زحمتکشان، انحطاط دربار قاجاری، کوشش‌های دولت‌های روس و انگلیس برای کسب امتیازات استعماری، قحطی‌ها و بیماری‌های واگیر، ناامنی راه‌ها و جز آن‌ها، زمینه‌ساز عینی انقلاب بود.

از سوی دیگر کوشش اندیشه‌ورانی همچون «آخوندزاده»، «ملکم»، «سیدجمال‌الدین اسدآبادی»، «طالبوف» و دیگران که با انگیزه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، از راه فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی، زیان‌های ناشی از حکومت استبدادی را گوشزد می‌ساختند، مردم را به این‌باور رسانده بود که امنیت، آسایش و پیشرفت کشور در گرو تاسیس نظام مشروطه است که در آن شاه مطلق‌العنان نباشد.

همسایگی با دو کشور در حال انقلاب یعنی روسیه‌تراری و ترکیه‌ی عثمانی، پیوندهای ایرانیان با مصر و هندوستان، آگاهی از رویدادهای گوناگون سیاسی و اجتماعی در چین و ژاپن، کوشش‌های طبقات نوجوی نوین را برای شالوده‌ریزی نظامی نو و متناسب با رونق صنعت و تجارت تشدید می‌کرد. مجاورت ایران با روسیه‌ی انقلابی نیز مزید بر علت بود. در هنگامه‌ی جنبش مشروطه، نخستین هسته‌های سوسیال دموکراسی انقلابی ایران، همچون مرکز غیبی از میان کارگران مهاجر در روسیه شکل گرفته بود و این هسته‌ها تأثیری مهم بر جنبش مشروطه برجاء گذاشتند. نمایندگان گروه سیاسی ایرانی به نام «همت» که در باکو مستقر بود، نخستین شعبه‌های حزب سوسیال دموکرات را زیر عنوان «اجتماعیون عامیون» دو سال پیش از صدور فرمان مشروطه یعنی در سال ۱۲۸۳ در مشهد، تبریز و تهران تاسیس کرده بودند.

«هنگامی که کارگران مهاجر ایرانی به وطن خود باز می‌گشتند،

عقاید انقلابی را همراه با اوراق تبلیغاتی چاپی و اسلحه با خود به ایران می‌بردند تا اعتصاب و آشوب را (که بر ضد رژیم استبدادی ایران پدید آمده بود) گسترش دهند، بنابراین انقلاب ۱۹۰۶ ایران که در جای پای انقلاب ۱۹۰۵ روسیه گام گذاشت نباید شگفت‌آور باشد (عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران به نقل از منابع خارجی).»

در عین حال انقلاب مشروطه‌ی ایران در سده‌ی بیستم پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، نخستین انقلاب آزادی‌بخش آسیا بود که الهام‌بخش انقلاب‌های دیگر از جمله انقلاب ۱۹۰۸ مشروطه‌ی ترکیه‌ی عثمانی و انقلاب‌های چین و هند و مصر شد.

تا زمان تشکیل مجلس شورای ملی جنبش انقلابی کم و بیش محدود به تهران بود و ارتجاع قاجار از بازتاب اخبار پیروزی مردم در شهرهای دیگر به شدت جلو می‌گرفت. آزادی خواهان تهران و تبریز پس از صدور فرمان مشروطه بی‌درنگ عده‌ای را برای رهبری مردم و نگهداری تداوم انقلاب زیر عنوان انجمن‌ها برگزیدند. از آن پس این نمایندگان شبانه‌روز در انجمن‌ها گرد می‌آمدند و امورات انقلاب را پیش می‌بردند.

تشکیل شوراها یا انجمن‌های دموکراتیک نمایندگان مردم در سطح ولایات و ایالات از دستاوردهای انقلاب مشروطه است. تدوین و تصویب متمم قانون اساسی که از اهمیت بیش از قانون اساسی اول برخوردار بود نتیجه‌ی جنبشی بود که در زمینه‌ی تشکیل انجمن‌های مذکور به رهبری انجمن ایالتی تبریز به راه افتاد. به این گونه در متمم قانون اساسی بندی هم درباره انجمن‌های ولایتی و ایالتی وارد شد و پس از آن در همه جا انتخابات رسمی این انجمن‌ها آغاز گشت. نگاهی به تجربه‌ی کار این شوراها که در آن زمان انجمن نامیده می‌شدند، ما را به اهمیت آن‌ها به مثابه‌ی ابزار مهمی برای حراست از آزادی و دموکراسی و مبارزه با استبداد و دسیسه‌های مرتجعان در آن زمان آگاه می‌سازد. نمایندگان اصناف نیز در محل همین انجمن‌ها کارهای خود را اداره می‌کردند. انجمن تبریز نشریه‌ای هم به همین نام از سوی خود انتشار می‌داد. به زودی انجمن‌های ایالتی تبریز به الگویی برای مردم شهرهای دیگر تبدیل شد و چنان که گفتیم خواست تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی در متمم قانون اساسی انعکاس یافت.

پس از کودتای خائنه‌ی محمدعلی شاه قاجار، به همدستی افسران روسیه‌ی تراری و با سکوت تایید آمیز امپریالیسم انگلیس، که در طی آن مجلس اول به توپ بسته شد و بار دیگر استبداد مطلقه بر سراسر کشور چیره گشت، انجمن ایالتی تبریز نقش و اهمیت تاریخی خود را نشان داد. تبریز علیه کودتاگران قیام کرد و با تکیه بر نیروهای مسلح خود به رهبری ستارخان - سردار ملی، به کانون شورش سراسری کشور علیه دار و دسته‌ی محمدعلی شاه و حامیان بیگانه آن تبدیل شد و تافتخ تهران (۱۲۸۸ ش.) به دست نیروهای

◆ انقلاب مشروطه
مانند هر انقلاب
دیگری در
بستر زمینه‌های
اقتصادی - اجتماعی
جریان یافت:
تضاد جامعه‌ی سنتی
و مناسبات نوین در
حال رشد.

هوادر مشروطه رهبری انقلاب را پیروزمندانه به دست گرفت. جنبش مشروطه را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله‌ی نخست، به شکل بست نشینی و تشکیل مجلس روضه‌خوانی رخ نمود و به سرعت گسترش یافت. در این مرحله انقلاب به سادگی پیش‌رفت؛ حکومت خودکامه‌ی قاجار را وادار به تشکیل مجلس شورای ملی کرد، حقوق اشرافیت حاکم و سلطنت را محدود کرد و آزادی‌های نسبی بورژوازی را به رسمیت شناخت، رژیم نیولداری را برانداخت و تنظیم بودجه‌ی دربار و دولت را به مجلس واگذار. وام گرفتن از بانک‌های خارجی در قبال دادن امتیاز به استعمارگران با مقاومت نمایندگان بازاریان و پیشه‌وران روبه‌رو شد و با حمایت این نمایندگان و حضور توده‌ی مردم در خارج از مجلس طرح ایجاد بانک ملی به تصویب رسید. از ثمرات انقلاب در این مرحله انتشار روزنامه‌های علنی و برگزاری اجتماعات آزاد و تشکیل انجمن‌های صنفی و سیاسی علنی بود. در این مرحله مجلس سنگر بازاریان و توده‌ی مردم و دربار سنگر اعیان و اشراف و مالکان بود. روسیه و انگلیس نیز هر یک به تقویت عمال خود در این دو سنگر مشغول بودند. در عین حال در اردوی بازاریان و توده‌ی مردم، کشاکش آشکار و پنهان میان اصلاح طلبی در یک سو و قاطعیت و انقلابی‌گری از سوی دیگر برقرار بود. مجلس بیشتر نماینده‌ی مماشات و مدارا و انجمن‌ها به ویژه انجمن آذربایجان تهران نماینده‌ی روش انقلابی بود. مرحله‌ی نخست گلوله‌باران مجلس و کودتای ضد انقلابی محمدعلی شاه پایان یافت.

مرحله‌ی دوم که از تیر ماه ۱۲۸۷ آغاز می‌شود، سهمگین‌ترین و قهرمانانه‌ترین نبردهای انقلابی مردم ایران برای سرنگونی استبداد و احیای آزادی رخ می‌نماید. سنگر انقلاب از تهران که پایگاه سازشکاران بود به تبریز که پایگاه انقلابیون و مجاهدان بود تغییر مکان داد. مردم تبریز به رهبری «ستارخان»، «باقرخان»، «علی مسیو» و «حیدر عمو اوغلی» قیام مسلحانه‌ی خود را آغاز کردند. توفان انقلاب بار دیگر شهرهای ایران را درنوردید. بازاریان نیز که به گوشه‌ای خزیده بودند بار دیگر به صفوف مبارزان پیوستند. در این زمان دو اردوی مشروطه‌خواه از گیلان و اصفهان به قصد تصرف تهران به راه افتادند. تهران پس از جنگی شش روزه با پیشگامی مجاهدان گیلان فتح شد.

فتح پایتخت و سرنگونی محمدعلی شاه، شور عظیمی در مردم پدید آورد. مرحله‌ی سوم با اولتیماتوم روسیه به ایران و کودتای ناصرالملک آغاز می‌گردد. اشغالگران روس با توافق انگلستان که در قبال انقلاب ایران از سیاست روسیه پیروی می‌کرد از دولت ایران خواستند که «شوستر» امریکایی را که برای سرو صورت دادن به مالیه‌ی ایران استخدام شده بود اخراج و پرداخت

◆ در عین حال
انقلاب مشروطه‌ی ایران
در سده‌ی بیستم پس از
انقلاب ۱۹۰۵ روسیه،
نخستین انقلاب
آزادی بخش آسیا بود که
الهام بخش انقلاب‌های
دیگر از جمله
انقلاب ۱۹۰۸ مشروطه‌ی
ترکیه‌ی عثمانی و
انقلاب‌های چین و هند و
مصر شد.

◆ تشکیل شوراهای
انجمن‌های
دموکراتیک
نمایندگان مردم در
سطح ولایات و
ایالات از
دستاوردهای
انقلاب مشروطه
است.

هزینه‌های لشکرکشی روسیه را تعهد کند. مجلس دوم اولتیماتوم روسیه را به اکثریت آرا رد کرد و مردم در تبریز و گیلان بر ایستادگی خود در برابر اشغالگران افزودند، اما ناصرالملک که پس از فتح تهران به جای احمد شاه که کودکی خردسال بود نایب‌السلطنه شده بود اولتیماتوم را پذیرفت و مجلس را بست و با همدستی وثوق‌الدوله رئیس‌الوزرا هر گونه فریاد اعتراض به دخالت بیگانگان در امور کشور و سیاست ارتجاعی دولت را در گلو می‌شکست.

بدین‌گونه انقلاب مشروطه، در آستانه‌ی نخستین جنگ جهانی با کودتای ناصرالملک، سازش دو قدرت بزرگ آن زمان علیه انقلاب ایران، یورش به بخش‌های شمالی کشور و سرانجام پذیرش اولتیماتوم روسیه از سوی حکومت به اصطلاح مشروطه به شکست انجامید. (۱۹۱۱ م. ۱۲۹۰ ش).

این شکست، اما به معنای بازگشت به گذشته نبود. انقلاب مشروطه به دستگاه فتوایی و استبدادی قاجاری ضربات سنگین و مرگباری وارد کرد و سیر تکامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران را از ایستایی و یکنواختی قرون وسطایی رهایی بخشید و بدین‌گونه فرایند پیدایی صورت‌بندی اقتصادی - اجتماعی نوین، انتقال به جامعه‌ی سرمایه‌داری را تسریع کرد. تأثیرات جنبش انقلاب مشروطه، در عرصه‌ی فرهنگی، ادبی و مطبوعاتی کشور نیز چشم‌گیر بود. با پیدایی جنبش مشروطه بساط مداحی‌های شعری درباری برچیده شد، شعر به میان مردم آمد، اما سخنوران عصر انقلاب، نه به زبان خشک، فاخر و ریزه‌کاری‌های هنری شعر قدیم آشنایی داشتند و نه آن سبک‌ها و قالب‌ها برای بیان احساسات و مفاهیم نوین رسا و مناسب بود. به نوشته‌ی زنده‌یاد یحیی آریان‌پور گویندگان این دوره ناچار بر آن شدند که مفاهیم و تعبیرات جدید و تصورات ذهنی خود را در اوزان ساده‌تر و کوتاه‌تری بریزند و آن را عاجالتا به‌طور حاضر و آماده در ادبیات عامه یافتند (از صبا تا نیما). از این رو مطبوعات عرصه‌ی طبع آزمایی شعرا و طنزنویسان شد. روزنامه‌ها و مجلات حبل‌المتین، صور اسرافیل، بهار، نوبهار، نسیم شمال و در اواخر مجله «دانشکده» از مهم‌ترین مطبوعات دوران مشروطیت بودند.

با این همه جنبش مشروطه‌خواهی در رسیدن به اهداف بنیادی خود؛ یعنی خشکاندن ریشه‌ی استبداد، گسستن بندهای وابستگی به استعمار در نیمه راه ماند و سرانجام به دست دشمنان خود، اشرافیت فتوئال که لباس مشروطه بر تن کرده بود و اعیان لیبرال که بر امواج انقلاب سوار شده بودند و با سکوت رجالی که از ۱۵ سال هرج و مرج سیاسی خسته شده بودند و در جست و جوی دیکتاتوری مصلح بودند، از پای در آمد. ■